تخت سلیمان یا سقورلوق در زمان مغول و بعد از آن

جعفری، قادر

شاید خواننده از کلمهء سقورلوق که در عنوان مقاله بجای نام تخت سلیمان نیز آمده‏ است تعجب کند،ولی متأسفانه ضبط غلط کلمه سقورلوق توسط کتاب نسخ خطی نزهما لقلوب‏ حمدالله مستوفی که سفوریق و ترویق و سقوریق نوشته شده است و مصححین کتاب مزبور متأسفانه‏ بدون مراجعه به کتب معتبر دیگر عصر مغول که خوشبختانه خیلی زیاد می‏باشد،بدون‏ هیچگونه منبع و مأخذی متوریق را به جای هر یک از کلمات فوق‏الذکر صحیح انگاشته و در متن کتاب آورده و به چاپ رسانیده‏اند و این امر باعث گمراهی مورخین داخلی و خارجی که‏ درباره تخت سلیمان کتب و مقالاتی انتشار داده‏اند شده است.کلمه ستوریق و اینکه در هیچ‏ یک از اسناد مدارک عصر مغول اسمی از کلمهء تخت سلیمان برده نشده باعث گردیده‏ پردهء ابهام بیشتر بر تاریخ تخت سلیمان در زمان مغول و بعد از آن گسترده شود و بنابر این مطالب تاریخی در این‏باره هم چنان ناگفته مانده و مورد مطالعه و تحقیق قرار نگرفته‏ است.

قریب باتفاق ایرانشناسان و مورخین معاصر بجای سقورسوق یا سقورلق که در زمان‏ مغول به تخت سلیمان اطلاق می‏شده است اشتباها ستوریق را در کتابها و مقالات خود آورده‏اند و تنها مأخذی را که مدنظر قرار داده‏اند کتاب نزهة القلوب حمد الله مستوفی‏ می‏باشد که در این مورد در کتاب مزبور چنین آمده است:(و در ولایت ایجرود قصه‏ایست‏ مغول آنرا ستوریق خواند بر سر پشته ییست،کیخسرو کیانی ساخته و در آن قصه سرائیست‏ بزرگ،و در صحن‏سرا چشمه ئیست بشکل حوضی بزرگ بلکه مانند دریاچه‏یی ملاحان بقعرش‏ نمی‏توانند رسید،دو جوی آب هر یک به مقدار آسیا گردانی دایم از آنجا بیرون می‏آید و چون در می‏بندند آب حوض زیادت نمی‏شود و چون می‏گشایند بر قرار جاری است و در هیچ موسم کم‏وبیش نمی‏باشد و این از نوادرست ابقای خان مغول آن سرای را با حال عمارت‏ آورد و در آن حوالی علفزاری خوبست)1

کلمهء ستوریق در بالا غلط محض و ناشی از تحریف کاتب است و صحیح آن سقورلوق‏ می‏باشد لسترنج خاورشناس اروپائی در تصحیح کتاب نزهة القلوب با اینکه در ذیل صفحه‏ از نسخه بدلها کلمات سفوریق،ستروق را آورده است بدون مراجعه به مآخذ دیگر دوران مغول قیاسا ستوریق را بجای هر یک از سه کلمه فوق صحیح پنداشته و در متن کتاب‏ آورده است.و این اشتباه را در جای دیگر تکرار و در کتاب سرزمینهای خلافت شرقی در تعریف از تخت سلیمان به نقل از حمدالله مستوفی گوید که مغولها با آن ستوریق میگفته‏اند.